

# تجربه آفریقایی - برزیلی

نوشته ژیلبرتو فریره

بیگانگان را نیز به منظور تکامل، با موسیقی ملی برزیل مطابقت داده است.

برزیل و آفریقا بستگی فرهنگی فراوانی دارند. نباید فراموش کرد که زیستشناسی گرمسیری در بیشتر تجربه‌های تاریخی، دخیل بوده است. برزیلیها و آفریقاییها در مناطق گرمسیر یکدیگر مسکن گزیده‌اند. این مناطق، امروز، دست در کار کلیه نتایج امروزی شدن هستند. اوت - سپتامبر ۱۹۷۷

مولود تأثیر آفریقایی است، غنی می‌شود. گاهی هم این تأثیرها فقط به زبان عامه محدود می‌شود. از تأثیر آفریقایی در موسیقی برزیلی بسیار سخن گفته‌اند. این تأثیر، منحصر خود را در موسیقی عامیانه برزیلی آشکار نمی‌کند، بلکه به همین شیوه در آثار بسیاری از بزرگان موسیقی نیز آشکار است، همچنین در آثار هیتور ویلالوبوس Heitor Villalobos این تأثیر را جستجو می‌کنند. اما این آهنگساز بسیاری از ارزشهای موسیقی

تجربه برزیلی می‌تواند، برای جمهوریهای نوبای آفریقا و اروپا و مشرق زمین و همچنین سایر ملل جوان مفید باشد، زیرا پس از چهار قرن پیشرفت ملی و ماقبل ملی و بیش از یک قرن استقلال، در برزیل تمدنی مشاهده می‌شود که خود را در ژرفای یک زیستشناسی آفریقایی توجیه می‌کند بی‌آنکه ارزشهای اروپایی را، که عمیقاً در وجدان ملی لنگر انداخته، به دور افکند.

برزیل اینک داعیه‌دار معماری، موسیقی، نقاشی، طباطبائی، مسیحیت، زندگی اجتماعی، مسائل مربوط به تندرستی، بهداشت و فوتبال خاص خود است؛ فوتبالی که بیش از آنکه چون فوتبال انگلیس «آپولونی» باشد «دیونوسوسی» و برزیلی است. این شکل جدیدی از تمدن است که در حجم تمامی این عناصر، خود را توجیه می‌کند. جدید به طور اخص، زیرا آمیختگی نژادی از طریق خون، در برابر آمیختگی فرهنگ نژادها، بی‌ارزش شده است.

همچنین، پرستش مریم عذرا چیزی است همانند پرستش یمانزا Yemanjá (همتای مؤنث آریکسا، خدای درجه دومی در شعائر آفریقایی جی - جی - ناگو).

در برزیل با کره‌های سیاه و باکره‌های دورگه وجود دارند، مانند باکره رزاریو و باکره گوادالوپ که معتقدان آنها اشیاء نذری از قبیل مجسمه‌هایی از چوب یا خاک رس تقدیمشان می‌کنند. این مجسمه‌ها با رنگها و حالات نمادین خود بیش از آنکه اروپایی باشند آفریقایی‌اند.

برزیلیها خود را از کاتولیکها هم کاتولیکتر می‌شمارند، زیرا شعائر و باورهای آفریقایی نیز در مذهب ایشان وارد شده است. اگر چه کاتولیسم آنها بیشتر حاره‌ای و کمتر اروپایی است اما به گمان دینداران مسیحی نفوذ آفریقاییان در کاتولیسم نه بی‌مبالاتی نسبت به دین است و نه خروج از مسیحیت این نفوذ آفریقاییان، مانند نفوذ آنها در موسیقی، آشپزی، مجسمه‌سازی یا نقاشی اصیل اروپایی است و کمتر به بی‌مبالاتی حمل می‌شود، زیرا که بیشتر غنای فرهنگی را بنیان نهاده است.

دیگرگون شدن زبان پرتغالی، نتیجه نفوذ قبلی آفریقاییان و نفوذ بعدی سرخپوستان آمریکایی است. به موجب گزارش زیانشتناسان در باره زبان علمی پرتغالی، این دیگرگونیها بیشتر در گستره زبان ادبی که نوعی زبان دوم به شمار می‌رود، آشکار است.

با شتاب بیشتر و تطابق فرهنگستانی کمتر، این زبان، هر روزه با خوش آهنگیها و اصطلاحات تازه‌ای که

ژیلبرتو فریره Gilberto Freyre متخصص جامعه‌شناسی و انسانشناسی اجتماعی و فرهنگی، با شهرت جهانی است. از جمله تألیفات متعددش: خواجهگان و بندگان (۱۹۳۳)، سوباردو و موکامبو (۱۹۳۶)، انگلیس نه برزیل (۱۹۴۸) و اکازا برازیلیا (۱۹۷۱) و شانتیهاست.

